

بخش نهم

نامہ کے گونا گون

این بخش دربرگیرنده ۲۷۵ نام میباشد۔

آبورز - شناگر .  
 آدات - منشها . شیوه‌ها . غانونها .  
 آرما - آزمایش . آزمون .  
 آزمایش - آزمون .  
 آزموده - سنجیده . آموخته . آزمایش  
 شده . بررسی شده .  
 آژنگ - چین و شکن خشم .  
 آسال - بنیاد . ریشه . برشماری .  
 آسغده - (مانند تاکرده) : آماده .  
 باهوش . هوشیار .  
 آشام - نوشیدنی . نیرو . گرایش .  
 آشکار - پیدا . نمایان . هویدا .  
 آشمیده - نویسنده .  
 آشنا - دوست . همدل . شناگر .  
 آشباب - آبورز . شناگر .  
 آغاز - سدا . آهنگ‌کار . نخست‌گام .  
 آماج - نشانگاه . آرمان .  
 آوات - امید . آرزو .  
 آونگ - آویخته .  
 آوند - برهان . فرنود . کاسه و کوزه  
 آویش - هویدا . آشکار .  
 آیفت - (مانند پابست) : خواسته  
 و نیاز .  
 آین - (مانند با دل) : آیین .  
 آیین - کیش . روش . شیوه .  
 آبکار - (مانند سردار) : کشاورزی .  
 آپاوه - (مانند سماور) : باز . فراخ .

آرسخ - (مانند سرنخ) : پایندان .  
 وامداری . پیمانگری .  
 آروتدا - (مانند درفردا) : آزمایش .  
 آسپار - سوارکار .  
 آشناس - آشنا . شناخته .  
 امید - آرزو . آرمان . چشمداشت .  
 امیدوار - با امید . آرزومند .  
 انباز - همتا . دوست . همدم . همکار  
 اوس - (مانند موز) : امید . آرمان .  
 آرزو . توانا . دارنده چشمه‌ها .  
 ایرمان - مهمان . یار . دوست . آرزو  
 بادرام - (مانند شادکام) : کشاورز .  
 بازیار - برزرگر . کشاورز .  
 بازیان - کشاورز .  
 باستان - گذشته . دیرینه .  
 باستانی - نگه به " باستان " .  
 باستانی پور  
 باستانی فر  
 باستانی نیا  
 بایگان - نگهدارنده . پاسدار .  
 بخشش - گذشت . دهش .  
 بخشگر - بخشنده . دهشگر .  
 بخششیان - بخششگر .  
 برزرگر - کشاورز .  
 برزه کار - برزرگر . کشاورز .  
 برزیگر - نگه به " برزرگر " .  
 بزنگ - (مانند فرنگ) : کلید . بازگر

پالیده - افزوده . ساف .  
 پتمان - امید . آرزو . پیمان .  
 پدیسار - از سرگیری کار .  
 پرورش - پرستش . پروریدن .  
 پژوژ - (مانند هنوز) : درخواستگری  
 و سرسختی . پافشاری .  
 پژوژ مند - درخواستگر . سرسخت .  
 پژهان - (مانند برهان) : آرزو .  
 خواهش دل . خواسته .  
 پویا - جوینده . یابنده . کوشنده .  
 پویان - جویان . کوشان .  
 پویش - جستجو . پویندگی .  
 پویشگر - جوینده . پوینده .  
 پوینده - در تکاپو . جوینده .  
 پهره دار - (مانند کرده کار) : پاس .  
 پاسدار . نگهبان .  
 پیدایش - آشکارایی . نمایان . هویدا  
 پیشآهنگ - پیشرو . پیشگام .  
 پیشه - کار . سرگرمی .  
 پیشه ور  
 پیشه وری  
 پیشه وریان  
 پیغون - (مانند میمون) : پیمان .  
 پیک - پیام‌آور .  
 پیمان - پیوند . همزبانی .  
 پیلسته - (مانند بیدسته) : رخسار  
 تجا - (مانند روا) : تندو تیز .

تروهیده - اندوخته . آمیخته .  
 تسو - (مانند سیو) : گاهشمار . دانگ  
 تیوما - تبار . خاندان . تیره .  
 جهانبد - جهاندار . نگهبان گیتی  
 جویا - جوینده . پژوهشگر . پرسنده  
 جویش - پویش . بررسی . رهیابی .  
 جوینده - پوینده . جستجوگر .  
 چاره جو - درمانگر . چاره گر .  
 چاره گر - چاره جو .  
 چرمک - (مانند اردک) : لغز .  
 چیستان . سخن پیچیده و نهان .  
 چلنگر - (مانند بزه‌گر) : خرده‌آهن  
 فروش .  
 چویدار - خریدار و فروشنده دام .  
 گله دار - رمه دار .  
 چویان - نگهبان دام . شبان .  
 خامه - غلم . کلک -  
 خستو - پذیرفته . رازگو .  
 خستون - نگه به " خستو " .  
 دارنگ - (مانند سارنگ) : خون‌رنگین  
 درکا - (مانند بهتا) : رود کوچک .  
 دفتر - نسک . روزنامه . تومار . کارجا  
 دفتردار - گنجور . ایاره نویس .  
 دفتری - وابسته به دفتر .

دفتريار - دستيار دفتر • دوست  
نوشتار •  
دفتريان - وابسته به دفتر •  
دوراندیش - با خرد • دورنگر •  
دين يَد - نگهبان دين • ديندار •  
دينور - ديندار •  
دينورز - کوشنده در راه دين •  
دين يار - ياری بخش دين • دلگرم  
به دين •  
روستا - ده • درگذشته سرزمين بزرگ  
و باشنگاه • ريشه آن درچم • رویش •  
زيغال - پياله بزرگ می •  
ژرف آيين - دارنده باور درونی •  
ژرف کيش - ژرف آيين •  
ژرف اندیش - دورنگر • باخرد •  
ژرف نگاه  
ژرف نگر  
ژرفی خرد  
ساسنا - (مانند بادپا) : آيين • فرمان  
سامان - آرايش • نيك چینی • به آرايي  
سامه - پيمان • سوگند • پناهگاه •  
سايه - پرهيب (به گويش خراسانی)  
سايبان - آفتابگير • پشتيبان •  
سغديانه - (مانند رنگيانه) : پياله  
می • پيمانه و جام می •

شيان - چوپان • شبا •  
شتاب - تندي درکار • چالاکي •  
شتابنده - تندکار • چالاک • شتابکار  
شيل - بندي بر رودخانه برای ماهی  
گیری (شيلات نادرست است) •  
شيلان - دارنده شيل • ميوه ای خشك  
به نام اناب (عنب نادرست است)  
شيو - (مانند گيو) : کمان تيرانداز  
فراخوان  
فراخوانی  
فرتور - واکنش پرتو • ديد در آيينه •  
فرجام - پايان • انجام •  
فرنود - برهان •  
فيال - تيري که پيکان آن دو شاخه  
باشد • آغاز • ديباچه •  
فياوار - پيشه • کار •  
کار آزما - آزمونگر •  
کار آزمون - کار آزما •  
کارگر - کارکن • انجام گر کار •  
کاشه - (مانند خانه) : خانه ای از گل  
و سبزه و گياه درکشتزار • کازه •  
کشاورز - برزيگر •  
کشاورز نيا  
کشاورزی  
کشاورزيان  
کنش - کردار • رفتار •

کواس - (مانند غباد) : روش • دات  
و غانون • فروزه •  
کواسه - نگد به " کواس " •  
کواش - نگد به " کواس " •  
کوشا - کوشنده • در تکاپو •  
کوشاپناه  
کوشا پور  
کوشا پيرا  
کوشا فر  
کوشا فروز  
کوشان - تلاشمند • کوشنده • کوشا •  
کوشانفر - فروغ و شکوه کوشش  
و تلاشمندی • پر تلاش و تکاپو •  
کوشش - تلاش • کوشندگی •  
کوشش فر  
کوشش نيا  
کوشيار - کوشنده • يار کوشش •  
کوشنده - پرتلاش • پر تکاپو •  
کُهيد - پارسا • کوه نشين • سرمايه  
دار • توانگر •  
کُهپور - (مانند سرپوش) : فرزند  
دوست داشتنی و مهربان •  
کهن - باستانی • سالمند •  
کهن پور  
کهن پيرا  
کهن فر  
کهن فروز  
کهن گوهر

کهن گهر  
کهن منش  
کهن نژاد  
کهن نيا  
کهن يار  
کهنی  
کهنی پور  
کهنی تبار  
کهنی فر  
کهنی نيا  
کهنيان  
کيش - آيين • کردار • روش •  
کشایشگر  
کشایشيان  
کله بان  
کله دار  
کله داری  
کله داريان  
نَسار - (مانند بهار) : سايبان و سايه  
نَمانه - (مانند زمانه) : تيره • تبار  
و خاندان • تَخمه و دودمان •  
نمايان - آشکار • هويدا •  
نوکتد - (مانند موبند) : نوخاسته •  
نورُسته • تازه •  
نيسه - مردم •

وید - جستن • پیدا کردن • یافتن •  
 ویده - چاره • جوینده •  
 ویس - (مانند دیس) : تیره • تبار •  
 دودمان • خاندان •

هاسر - (مانند باور) : زمان شمار •  
 گاهشمار • تسو •  
 هستو - پذیرفته • روشنگر • رازگو  
 هستوان - نگد به " هستو " •  
 هُماس - (مانند گشاد) : انباز • یار •  
 دوست • همتا •  
 هدمین - (مانند همدید) : اندام •  
 تن • پیکر • بلند بالا • بر •  
 همال - (مانند زمان) : همتا • انباز  
 و همانند •  
 همآوا - همراه • هم اندیش • هم سدا •  
 یکدل • یکزبان •  
 همآهنگ - همراه • همآوا • یار • همدل  
 همتا - همزاد • هم جنس • همسان •  
 همداستان - همدل • همزبان • همآوا •  
 همکار - دوست • نزدیک • همراه •  
 همگنان - همکاران • همرده ها •  
 همیاز - همراه همراز •  
 هَندام - تن • بر • پیکر • اندام •  
 هویدا - نمایان • آشکار • خوب پیدا

یزش - ستایش • نیایش •